

فرهنگ اصطلاحات توصیفی
نسخه‌های جهان اسلام، آرام گاجک؛
ترجمه علی قلی‌نامه؛ تهران: ارمغان
تاریخ، ۱۳۹۴.

ملاحظات در باب ترجمه فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام

مهرداد چترایی عزیزآبادی

درباره نسخه‌های خطی و شناخت اجزای آنها آثار متعددی به زبان‌های مختلف تألیف شده است. آثار صلاح‌الدین المنجد و عبدالسلام هارون به زبان عربی برای محققان نسخه‌پژوه شناخته شده است و در آثار نسخه‌شناسان اروپایی نیز منابع متعددی درباره اصطلاحات و قواعد نسخه‌شناسی و معرفی گونه‌های متنوع دست‌نویس‌های عربی و فارسی دیده می‌شود. در سال‌های اخیر با انتشار فهرس‌های خطی موجود در کتابخانه‌های سراسر دنیا و به‌ویژه با پیشرفت‌های تکنولوژی نشر برخط (online) آن فهرست‌ها و نمونه‌های دست‌نویس‌ها و با آسان‌شدن دسترسی پژوهشگران به نسخ خطی و تحقیقات مرتبط با آن در فضای مجازی، شناخت اصول پژوهش در دست‌نویس‌ها و ارائه تعاریف و معیارهای علمی برای طبقه‌بندی اجزای نسخه‌های خطی و شیوه‌های تحقیق در آنها ضرورت یافته است.

با وجود انتشار مقالات و کتاب‌های نسخه‌پژوهی در زبان فارسی^۱ و اهتمام نسخه‌شناسان برجسته‌ای مانند مرحوم ایرج افشار، هنوز موضوعات ناشناخته فراوانی در حوزه تحقیقات نسخه‌شناسی باقی مانده است. بنابراین انتشار هراتری در این موضوعات که روشنگر جزئیات مبهم و ناشناخته در باب دست‌نویس‌های کهن فارسی باشد مغتنم است. همچنین توجه به آثار متخصصان شناخت نسخ خطی که آثارشان به زبان‌های دیگر تألیف می‌شود و کوشش در ترجمه دقیق و تخصصی آن آثار به فارسی می‌تواند راهگشای علاقمندان نسخ خطی باشد.^۲

در میان متخصصان نسخه‌های خطی اسلامی، آدام گاجک (Adam Gacek) محقق شناخته شده است و آثار متعددی از وی در حوزه پژوهش‌های میراث کهن اسلامی و معرفی نسخه‌های خطی منتشر شده است. گاجک «کتابدار متخصص کتب اسلامی در کاناداست»^۳ و از مهم‌ترین کتاب‌های او «مصطلحات

چکیده:

کتاب فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام اثر آدام گاجک، کتابی در حوزه نسخه‌پردازی و مصطلحات نسخ خطی است که توسط علی قلی‌نامی به فارسی ترجمه شده است. نویسنده در نوشتار حاضر، ترجمه فارسی کتاب مذکور را در بوته نقد و بررسی قرار داده است. وی در راستای این هدف، نخست اشکالات ساختاری و کلی ترجمه و سپس اشکالات فنی و تخصصی آن را با ارائه شاهد مثال‌هایی از صفحات کتاب، مورد مذاقه قرار داده است.

کلیدواژه:

کتاب فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام، آدام گاجک، علی قلی‌نامی، نسخه‌پردازی، مصطلحات نسخ خطی، نقد کتاب، نسخه‌شناسی، نسخه‌های خطی، نسخ خطی، نسخه‌های خطی اسلامی.

۱. در میان نشریات نسخه‌پژوهی و کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر به فارسی منتشر شده است، دو کتاب «تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی» تألیف نجیب مایل هروی و «نسخه‌شناسی» تألیف علی صفری آق‌قلعه از مآخذ نسبتاً مشهورند که محل مراجعه محققان بوده است. همچنین کتاب راهنمای تصحیح متون، تألیف جویا جهانبخش از منابع مفید و مختصر در این باب است.

۲. مخصوصاً در سال‌های اخیر که تحقیق در نسخه‌های خطی و تصحیح آنها به عنوان موضوعات پایان‌نامه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رواج یافته، تألیف یا ترجمه منابع کارآمد در حوزه نسخه‌شناسی از سردرگمی آنان خواهد کاست و منبعی معتبر را به عنوان شیوه‌نامه پژوهش در نسخ خطی به آنان ارائه می‌کند.

۳. ایرج افشار به نقل از صفری آق‌قلعه، نسخه‌شناسی، هیجده.

نسخه‌شناسی» (The Arabic Manuscript Tradition. A Glossary of Technical Terms Bibliography) است. این کتاب در یادداشتی کوتاه شناسانده شد^۴ و فهرست مندرجات آن در یادداشت مذکور نقل شد و اهمیت آن در پژوهش‌های نسخه‌شناسی مطرح گشت و لابد هدف دکتر علی اشرف صادقی که نویسنده آن معرفی‌نامه کوتاه بود، این بود که محققان را به این کتاب تازه در حوزه نسخه‌های خطی توجه دهد و زمینه ترجمه و نشر آن در زبان فارسی فراهم شود، ولی از طرف دیگر در همان سال ۱۳۸۵ نشرنی، کتابی با نام «فرهنگ مصطلحات نسخه‌شناسی» تألیف محمد مهدی باقی منتشر کرد که بعدها معلوم شد این کتاب دقیقاً ترجمه بخش اول کتاب آدم گاجک است که شامل واژگان تمام جنبه‌های نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی در فرهنگ شرقی، اسلامی می‌شود و متأسفانه بدون ذکر نام مؤلف اصلی و به عنوان اثری تألیفی به زبان فارسی منتشر شد!^۵

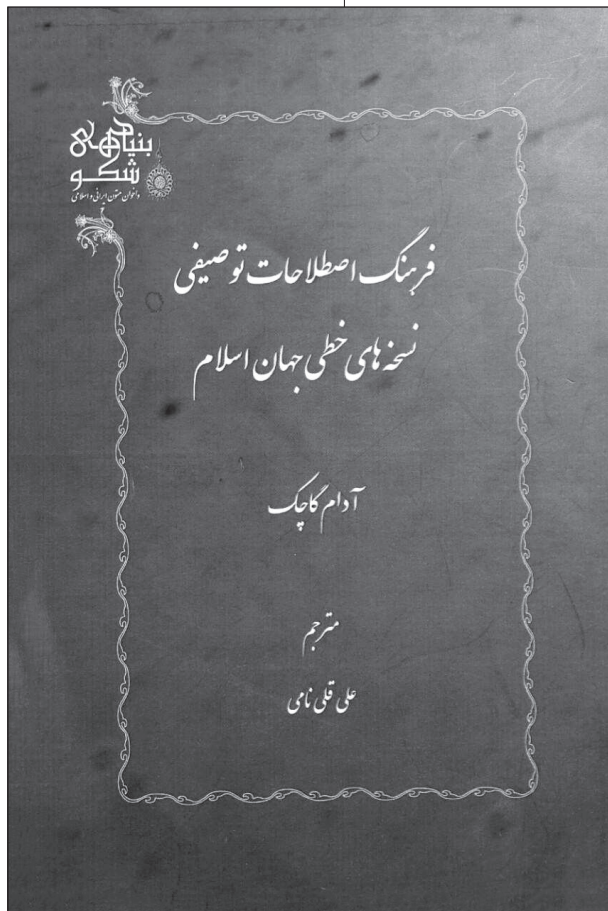
به تازگی کتاب دیگری از آدم گاجک به نام «فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام» با ترجمه علی قلی نامی در ایران منتشر شده است.^۶ عنوان انگلیسی کتاب چنین است:

Arabic Manuscripts: A Vademecum for Readers

که ترجمه دقیق آن «نسخه‌های خطی عربی: راهنمای خوانندگان» است. مؤلف در مقدمه، کتاب را چنین معرفی کرده است: «... کتاب حاضر، نسخه‌های خطی جهان اسلام؛ راهنمای خوانندگان (AMTS) در بهترین حالت، یک فهرست عمومی اجزای گوناگون یا جنبه‌هایی از مطالعات نسخه‌های خطی اسلامی در نظر گرفته شود. در واقع این تک‌نگاری نه اینکه به عنوان گزارش پیوسته و منسجم موضوع خوشنویسی و نسخه‌شناسی تلقی شود، بلکه به عنوان کمکی به دانش آموزان و پژوهشگرانی [است] که اغلب در برابر دنیایی از نسخه‌های خطی رازآمیز و زبان تکنیکی مغلق به آنها سردرگم می‌شوند یا حتی گاهی می‌هراسند».^۷

ترجمه عربی کتاب مذکور در سال ۲۰۱۰ منتشر شد. مترجم عربی آن «مراد تدغوت» بود که دکتر فیصل الخفیان مقدمه‌ای بر متن عربی کتاب نوشت.^۸ در یادداشت «اهتمام گر» بازچاپ متن عربی کتاب، از قول مترجم فارسی، متن ترجمه عربی ناکارآمد دانسته شده و چنین اظهار نظر کرده‌اند:

«از جناب ایشان [یعنی مترجم فارسی] استدعا کردم تا متن انگلیسی را به فارسی برگردانند و از همین متن عربی در گزینش واژگان یاری جویند. نظر ایشان آن بود که عرب‌ها (کتاب حاضر) خیلی نتوانسته‌اند از عهده ترجمه برآیند و این کتاب مشکلات فنی و گزینش معادل‌های واژگانی دارد».^۹



۴. واژه‌نامه نسخه‌شناسی، علی اشرف صادقی، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۴.

۵. درباره ماجرای تأسیف بار نشر این کتاب به زبان فارسی، رک به: مصطلحات نسخه‌شناسی، تألیف یا ترجمه؛ حکایت یک سرقت ادبی، محمد علی کاتب، گزارش میراث، ضمیمه ۲، ۱۳۹۱، ص ۵۳-۵۴.

۶. گاجک، آدم؛ فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام؛ مترجم علی قلی نامی؛ ۱۳۹۴.

۷. همان، ۱۴.

۸. این ترجمه عربی به سال ۱۳۹۴ش با عنوان اصلی «فرهنگ توصیفی اصطلاحات نسخه‌شناسی» و عنوان فرعی «تقالید المخطوطات العربی، معجم مصطلحات و بیلوگرافیه» به اهتمام دکتر یوسف بیگ پایپور در ایران بازچاپ شد.

۹. منظور ترجمه عربی کتاب است که مترجم آن مراد تدغوت است (رک به: کتابنامه).

۱۰. تقالید...، ص ۵، یادداشت اهتمام گر.

نوشته: «انظر نستعلیق»^{۱۳} و

یکی از اشکالات عمده ترجمه فارسی مدخل‌های نامفهوم و نامربوط است که به نظر می‌رسد مترجم محترم به علت ترجمه لفظ به لفظ آنها چنین عناوینی را در کتاب جای داده است. تعداد این مدخل‌ها فراوان است، ولی برای نمونه: صندوقچه و کیف (۸۳)، گمانه‌زنی (۱۲۱)، سنگ‌های قیمتی (۱۶۷)، شروع از اینجا (۱۹۷)، رعایت طول و فاصله سطرها (۲۱۹)، ملاحظات و موارد قابل توجه (۲۴۹)، تأثیرات خارجی (۲۶۸)، پشتیبانی (۲۸۹)، سیاحت و اصالت (۲۹۲)، ابزار ابتدایی نقد (۳۰۲)، پیشه‌ها و تخصص‌ها (۳۰۴)، توصیف علمی آرم (۳۳۶)، یادداشت آماری (۳۶۷)، جعبه‌ها و کمدها (۳۶۸)، یادداشت‌ها بررسی (۳۷۰)، شهرها و نواحی (۴۰۲)، جعبه لوازم التحریر (۴۲۰) قابل ذکر است.^{۱۴}

علاوه بر ترجمه غیرفنی و گرته‌بردارانه که باعث بروز مدخل‌هایی از این دست شده - که ظاهراً اصطلاح تخصص نسخه‌شناسی به نظر نمی‌رسد - عدم رعایت نظم و ترتیب الفبایی. موضوعی ترجمه فارسی نیز در پیدایی این مدخل‌های نامفهوم و عام تأثیرگذار بوده است.

پراکنده بودن موضوعات مشترک در سراسر کتاب و گاه تکرار موضوع واحد ذیل مدخل‌های متفاوت از دیگر اشکالات کلی این ترجمه است. متأسفانه این آشفتگی در مواضع متعددی از کتاب دیده می‌شود. برای نمونه مدخل‌های «مفتحات» (۲۹۳)، «شروع از اینجا» (۱۹۷) و «صفحه شروع از اینجا» (۱۹۷) توضیحات مشابه و تقریباً تکراری دارد و به نظر می‌رسد باید همه این مدخل‌ها ذیل یک عنوان کلی، مثلاً صفحات آغازین ذکر می‌شد یا موارد مشابه به یکدیگر ارجاع داده می‌شد. نمونه دیگر مدخل‌های «علائم و اختصارات» (۲۰)، «نمادها و نشانه‌های مقابله» (۱۰۴)، «عبارات کلیشه‌ای به منظور اتمام» (۱۱۵) و «اختصاری ماه‌ها» (۱۲۸) است که همگی شامل رموز و علائمی است که به صورت اختصاری در نسخه‌های خطی به کار می‌رود و مترجم باید آنها را ذیل یک مدخل اصلی نقل می‌کرد. حتی در مدخل‌هایی مانند قلب (۲۳۵) و یا سقطات (۲۴۵) نمونه‌های این علائم و رموز آمده که قابل ارجاع به همان مدخل اصلی است.

۱۲. درست است که این شیوه تنظیم بر اساس ریشه لغات به واسطه ویژگی خاص زبان عربی است و این روش در زبان فارسی امکان‌پذیر نیست، ولی کاش مترجم محترم با بررسی کلی نظام «مدخل‌گزینی» در ترجمه عربی به ضرورت و اهمیت انتخاب شیوه دقیق و علمی برای مدخل‌های این کتاب توجه می‌فرمودند تا خواننده مجبور نباشد با ورق زدن کتاب از ابتدا تا انتها دنبال موضوع مورد نظرش بگردد. به ویژه آنکه با توجه به عنوان این کتاب که «فرهنگ اصطلاحات» است، قرار است راهنمای خوانندگان باشد. البته گفتنی است که این اشاره به معنی تأیید صحت ترجمه عربی کتاب نیست، چون لغزش‌هایی نه چندان اندک نیز در متن عربی کتاب راه یافته که اینجا مجال پرداختن بدان‌ها نیست.

۱۳. همان، ص ۹۹.

۱۴. اینجانب فرصت مقابله این مدخل‌ها را با متن اصلی نیافتم، ولی از توضیحاتی که در زیر هر یک از این مدخل‌ها آمده، معادل‌های مفهوم‌ترو تخصصی‌تری نسبت به این‌ها به ذهنم رسید. مثلاً «ابزار ابتدایی نقد» به «نشانه‌های مهم برای تصحیح متن» و یا «یادداشت‌های آماری» به «سطر شماری و برگ شماری» و یا «گمانه‌زنی» به «تصحیح‌های ذوقی و ...»

بنا بر این مقدمات، اکنون ترجمه فارسی کتاب (به قلم علی قلی نامی) و نیز متن عربی کتاب (به ترجمه مراد تدغوت که زیر عنوان «بازچاپ کتب نادره» در ایران منتشر شده) پیش روی ماست و منظور از نوشتار حاضر، بررسی و نقد ترجمه فارسی و تصحیح لغزش‌ها و خطاهایی است که از دید این نویسنده در گزارش فارسی کتاب راه یافته است.

اول: اشکالات ساختاری و کلی ترجمه

- مؤلف کتاب به صراحت در دیباچه کتاب، روش به‌کاررفته در تنظیم و ترتیب کتاب را «به صورت الفبایی. موضوعی» ذکر کرده تا ارجاعات و دستیابی به موضوعات کتاب برای خوانندگان به راحتی ممکن باشد.^{۱۵} بنابراین در متن اصلی، مدخل‌های کتاب از A تا Z تنظیم الفبایی شده است و خواننده متن انگلیسی با مراجعه به مدخل مورد نظرش ذیل یکی از حروف الفبای انگلیسی، موضوع آن مدخل را مطالعه می‌کند. طبیعی است که این تنظیم الفبایی مدخل‌ها وقتی به فارسی برگردانده شود، به کلی از قاعده نظم و ترتیب الفبایی خارج خواهد شد و به همین علت معمولاً در ترجمه چنین آثاری باید ترتیب الفبایی عناوین و مدخل‌های فارسی جای مدخل‌های زبان اصلی را بگیرد.

مترجم فارسی متأسفانه بدون توجه به این نکته، انباشته‌ای از مطالب مختلف را بدون هیچ نظم و ترتیبی پشت سر هم آورده، به صورتی که یافتن هیچ موضوعی در کتاب از روی هیچ نظم و ترتیبی امکان‌پذیر نیست، حال آنکه شیوه مؤلف این بوده که مدخل‌های اصلی را به ترتیب الفبا و مدخل‌هایی را که مربوط به آن مدخل اصلی بوده است در زیر همان مدخل و با عنوان مدخل‌های فرعی مرتبط با موضوع ذکر کند. به عنوان مثال «خط» (Script) یک مدخل اصلی است که در زیر آن موضوعاتی مانند خط نسخ، خط ثلث، خط نستعلیق، خط محقق، دیرینه‌شناسی خط (palaeography)، خط مغربی، خط کوفی و ... می‌آید، در حالی که مترجم محترم هر کدام از این عناوین را در صفحات مختلف کتاب ذکر کرده است و حتی فهرست اصطلاحاتی هم که در پایان کتاب (ص ۴۸۷ تا ص ۵۱۲) تنظیم شده، بسیار ناقص است و تمامی مدخل‌ها یا عناوین کتاب در آن نیامده است.

یادکردنی است که در ترجمه عربی کتاب، مدخل‌ها بر اساس ترتیب الفبای عربی منظم شده و برای اینکه تا حدی ساختار تدوین کتاب به متن اصلی نزدیک باشد، علاوه بر ترتیب الفبایی مدخل‌ها، ریشه‌های لغوی مشترک با هر مدخل نیز در ذیل عناوین و مدخل‌ها ذکر شده است. مثلاً ذیل مدخل «خط» (تقالید ص ۹۸) این عنوان‌ها آمده: الخط الاندلسی، الخط الفارسی، الخط الکوفی، خطوط المصاحف، الخط والرقة و ... البته توضیح این مدخل‌ها گاه با ارجاع به مدخلی دیگر - که رایج‌تر بوده - ذکر شده است؛ مثل الخط الفارسی که برابر آن

۱۱. فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های جهان اسلام، ۱۴.

- بدخوانی نمونه‌های تصاویر نسخ

مؤلف در یادداشت کوتاهی با عنوان «یادداشتی درباره استنساخ‌ها»، شیوه بازنویسی عباراتی را که از نسخه‌های خطی نمونه آورده توضیح داده است. از این نوشته کوتاه مشخص است که مؤلف متوجه حساسیت نقل شواهد و نمونه‌ها از نسخه‌های خطی و بازخوانی و بازنویسی آنها بوده است (ص ۱۸-۱۷)، ولی متأسفانه در ترجمه فارسی این شیوه‌نامه مؤلف عمدتاً نادیده گرفته شده است.

- بازخوانی لوحه ۳، ص ۳۸: «خودنگاری حسن صقانی با اسم مستعار سماع». منظور مترجم از عبارت «اسم مستعار سماع»، گواهی سماع است که رضی الدین حسن بن محمد الصغانی^{۱۶} بر یکی از کتب خویش نوشته.

- خوانش مهر ص ۴۰: «وقف عباس آقایی» (!) به وضوح دیده می‌شود: وقف عباس آغا

- «اجازه عام اعطایی به محمد بن عبدالرحمان مسعودی»، ص ۸۸ به جای اجازه عام اعطایی از طرف محمد بن عبدالرحمن مسعودی. در تصویری که از دست نویس این اجازه‌نامه آمده چنین می‌خوانیم: «اجزت للشیخ الفاضل... و کتب محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن الحسن مسعود بن احمد بن الحسن بن محمد المسعودی»، ص ۸۸.

- «خمس و ثلاثین و سبعائنه، ۷۵۳» ص ۱۲۹ که درست آن ص ۷۳۵ است.

- «برگردان کتیبه: نومنا لک تفجیر من الارضی...»، ص ۱۴۶

تصویر متن بازخوانی شده، آیات قرآن است و مترجم می‌توانست با مراجعه به قرآن به راحتی صورت صحیح آن را بازنویسی کند (سوره اسراء، آیات ۹۱-۹۰): «نؤمن لک حتی تفجر من الارض...». ضمن آنکه تصویر نسخه ارائه شده به وضوح مشخص است، ولی چون مترجم فقط به آونویسی عبارات مؤلف بسنده کرده، این لغزش در بازنویسی او راه یافته است. همچنین تصویر دیگری در همین صفحه ۱۴۶ وجود دارد که آیات ۷۱-۷۰ سوره اسراء نادرست بازنویسی شده است.

بازخوانی تصویر نسخه: «خ بی معنا+ = نسخه بدل»، ص ۱۷۵

در حالی که به وضوح در تصویر دیده می‌شود: خ ل (ل) که رمز نسخه بدل است (تصویر پایین صفحه ۱۷۵).

در همین صفحه همچنین است: ۱۲ که رمز ابجدی واژه حد است و برای مشخص کردن حدود حواشی در نسخه خطی به کار می‌رفته است.^{۱۷}

۱۶. وی از علمای چغانیان ماوراء النهر بود و از آثارش «مجمع البحرین» در لغت، تکملة صحاح جوهری و کتاب العیاب است. وی از نزدیکان به ابن علقمی وزیر المستعصم بود و بعضی آثار خود را به نام آن وزیر کرد. (رک به: تجارب السلف، ص ۳۵۸)
۱۷. رک به: موسوی طبری، «هزار نکته باریک»، ص ۸.

- جملات و عبارات مبهم و نامفهوم در سراسر این ترجمه آزار دهنده است. تصور من این است که متن ترجمه حاضر، هیأت خام و ابتدایی ترجمه است که مترجم هیچ ویرایش فنی و زبانی در آن اعمال نکرده است و حتی گاه فرصت بازنگری در معادل‌های غیر تخصصی و عام کتاب را نیز نیافته. به این نمونه‌ها می‌توان اشاره کرد: «احتمال دارد که دایره نخستین نماد مربوط به مقابله بود...» (۱۰۴) یا «تزیورات مرتبط با تألیف در قرون وسطی و پیش از آن احتمالاً رایج نبوده است. شاید به دلیل گسترش استفاده از اجازه‌های استنساخ و آگاهی‌های بسیار درباره آثار مؤلف و سلسله‌راویان همچنین این واقعیت که در بسیاری موارد محتوای آنها را بسیاری دیگر نقل می‌کرد» (۱۶۱) یا «نسخه‌های خطی همین طور که از شخصی به شخصی دیگر می‌رسیدند، هم تعلیقات افراد متفاوت را می‌توانستند داشته باشند هم زمان آن تعلیقات متفاوت هم بسیار متفاوت بود» (۱۷۱) یا «یادداشت‌های بررسی، در کنار اینکه از نظر تاریخی رونوشت یک نسخه خطی معین مهم است، همچنین منبعی است که اغلب اطلاعات بی‌ارزش (!) درباره محققان و اساتیدشان و کتاب‌هایی را که خوانده‌اند شامل می‌شود. آنها از جهت تعیین ارزش کیفی یک سند معین هم می‌تواند سودمند باشد» (۳۷۰) که ظاهراً «اطلاعات ارزشمند» صحیح بوده است. متأسفانه تعداد این لغزش‌ها و غلط‌ها در جمله‌بندی‌های کتاب فراوان است.^{۱۵}

نیز توضیحات مبهم مترجم ذیل مدخل «نشانه‌های ایضاحات نحوی» (ص ۳۷۳) که تقریباً معلوم نیست چه آگاهی‌هایی به خواننده ارائه می‌دهد.

دوم: اشکالات فنی و تخصصی ترجمه

در ترجمه هراثر علاوه بر دانستن زبان مبدأ و مقصد و اشراف بر ظرایف و قواعد آن دوزبان، آگاهی از موضوع اثر و مهارت در حوزه تخصصی محتوا نیز بر مترجم فرض است. بدین معنی که مترجم باید از اصطلاحات خاص و مفاهیم ویژه‌ای که به موضوع کتاب مربوط است آگاهی کامل داشته باشد. طبیعی است که در مواردی که مترجم از موضوع تخصصی کتاب آگاهی کافی ندارد، باید از ویراستار علمی که در آن موضوع تسلط دارد بهره گیرد.

در سراسر ترجمه کتاب گاجک با اصطلاحات و تعبیرات متعددی مواجه می‌شویم که به نادرست معادل‌یابی و جایگزین متن اصلی شده‌اند. آنچه در ادامه این یادداشت ذکر می‌شود، نمونه‌هایی اندک است از لغزش‌هایی بسیار.

۱۵. یا اصطلاح «زیرخط ققو» (ص ۳۵۰) چندان مناسب برای چنین کتابی نیست و همچنین عبارت «تازه‌کار» در ترجمه مقدمه مؤلف: «... و بیش از ۵۰ طرح که همکار دلسوزم و صحاف تازه‌کار ساسکا زوکما با مهارت پیاده کرده است» (ص ۱۴) که ظاهراً صحاف نوآور یا چیزی شبیه به آن درست باشد.

- شکل ۱۴۲ «تصویر بخشی از ترفیقه... که نام محمد فنایی حامی آن درج است»، ص ۲۹۰

در متن تصویری که از دست نویس چاپ شده به وضوح چنین خوانده می‌شود: الشیخ محمد بن المحترم الوفایی.

- غلط‌های املائی در برگردان اصطلاحات خاص

مؤلف در متن اصلی اصطلاحات و تعبیرات و نیز نام‌های خاص (اشخاص، کتاب‌ها، جای‌ها) را با آوانگاری حروف انگلیسی ضبط کرده است. متأسفانه مترجم به دلیل ناآشنایی با این اصطلاحات و عدم مراجعه به منابع مربوط، تعداد فراوانی از آنها را با املائی غلط (!) در کتاب خویش آورده و گاه این غلط‌ها آنچنان آشفتگی و ابهامی بر متن افزوده که عملاً استفاده از اطلاعات کتاب را غیرممکن کرده است. نمونه‌های این اغلاط در اینجا نقل می‌شود:

- «فتد. (بجای فْتَعَمَلَّة / ها: در چیزی عمل کرد)»، ص ۲۱

در اشارات نسخه شناسی، فتد مخفف فتأمله / هاست. این علامت نشانه تأمل است (تأمل کن در آن). در متن عربی نیز آمده: فتد = فتأمل (۴)؛ فتدیر (۴).^{۱۸}

- «مشعله (ماشاء الله)»، صص ۲۱ - ۱۲۱ - ۳۸۹

متأسفانه مترجم در مواضع مختلف کتاب به جای مشأله از املائی غلط مشعله (!) استفاده کرده است. لابد در اثر بی‌توجهی به ساختار کلمه که از حروف ماشاء الله وضع شده است؟ در متن عربی: «مشأله: صیغه تقدیم اراده الله: ماشاء الله (MG, I, ۴۸۴) و منه: استثناء»^{۱۹}

- «ص یا صمی تواند اختصار صحیح... یا اختصاری اصل (متن) باشد یا می‌تواند به جای ذبّه (کلون در) باشد»، ص ۲۳

- نخست اینکه ضبّه صحیح است، نه ذبّه و اگرچه در متن اصلی املائی ضبّه شبیه ذبّه آوانگاری شده است، ولی حداقل مترجم با کمی دقت می‌توانست متوجه شود که صحبت از علامت اختصاری ص یا صاست و در چند سطر بعد مؤلف تأکید دارد بر کاربرد ص یا ض. بنابراین کلمه‌ای با املائی ذبّه وجهی ندارد و دیگر اینکه می‌توانست به راحتی از یک فرهنگ لغت عربی متوجه شود که آن کلمه‌ای که کلون در معنی می‌دهد، املایش ضبّه است!^{۲۰}

در جای دیگر آمده است: «... کاربرد علامتی بود که ذبّه نامیده می‌شد (به عنوان علامه التوضیح یا التمریض یا تشکیک هم نامیده می‌شود)»، ص

۴۰۷

۱۸. همچنین رک به: معجم الرموز والأشارات، ص ۱۵۲. (تقالید، ص ۳۷۰).

۱۹. تقالید، ص ۲۸۷.

۲۰. رک به: معجم الرموز والأشارات، ص ۱۴۰ و نیز تقالید، ص ۱۹۱.

جالب است که با وجود اینکه در اینجا مؤلف علامت و واژه ضبّه را توضیح داده، مترجم مصدر آن را که توضیح است اشتبهاً توضیح آورده است.

- «... و کتاب فرد طلب العلم محمد بن حسین آجری است»، ص ۴۴

صحیح آن: کتاب فرض طلب العلم^{۲۱}... است.

- «... مسموعات، مقروعات، مرویات...»، ص ۹۱

به جای: مقروعات

- «تقریضات» ص ۹۵، ۱۴۸، ۳۴۱ و ...

متأسفانه مترجم اصطلاح تقریض که برای اهل کتاب و نسخه پژوهی با همین املاشناخته شده است، در سراسر کتاب به صورت غلط تقریض آورده. جالب است که مؤلف در متن اصلی، متوجه بروز این غلط املائی بوده و آن را جزء خطاهای کتابت مثال می‌زند: «... همچنین کاتبان عرب و عجم احتمالاً حروفی مانند ضاد و ظاء را که در تلفظ متماثل است با هم اشتباه بگیرند (برای نمونه تقریض را به جای تقریض)». معلوم است که منظور مؤلف این بوده که بعضی کاتبان، تقریض را اشتبهاً به جای تقریض می‌نوشتند!

- «... ودعادی برای اشاره به سه شب آخر ماه...»، ص ۱۲۶

املائی درست تعبیر مشخص شده و الدادیء (ج الداداء والدؤدؤ) است که در زبان عربی به معنی سه شب یا سه روز پایان ماه، به ویژه برای ذکر زمان کتابت نسخه در انجامه‌ها کاربردش رایج بوده است.^{۲۲}

- «... با یک تکه غلاف یا صدف محار مهره می‌زنند»، ص ۱۷۱ و نیز ص ۲۷۷

مهار به معنی مهره زدن صحیح است.

مترجم توضیح شکل مندرج در صفحه ۲۷۷ را ترجمه کرده است: یک ماهر (صالح؟) هنگام کار... و از کلمه صالح که بعد از ماهر. توضیحاً. در کمانک آورده و لابد تصور فرموده‌اند که معنی ماهر است (!) عدم اطلاع ایشان از معنی اصطلاح ماهر (= مهره زننده) روشن می‌شود.

- «... حاشیه‌ای که شرف‌الدین به ... احمد ذبوی سفارش داده است»،

ص ۱۷۲

ضبط این نام ضبوی است و چون مترجم فقط به بازنویسی فزنتیک آوانگاری نویسنده بسنده کرده و از املائی ضبوی که به وضوح در تصویر

۲۱. از تألیفات ابوبکر محمد بن حسین بن عبدالله آجری (۲۸۰-۳۶۰) که با تحقیق و تعلیق ابی الحسن الرازحی به سال ۲۰۱۰ م در انتشارات مکتبه المعارف ریاض به چاپ رسیده است.

۲۲. «أخر ثلاث لیل من الشهر، الیام الثلاثه الاخیره من الشهر» (معلوف، ذیل الدادیء)

دست نویس مذکور پیدا است غافل بوده، این ضبط نادرست رخ داده است.

- «نامش، حامشیه، حوامش» ص ۱۷۳ و ۲۶۳ و ...

به جای هامش، هامشیه و هوامش. حتی در پیوستی که مؤلف در پایان کتاب ضمیمه کرده، در مقابل توضیح داده که گاهی مقصود از آن در نسخ خطی هامش است، ولی مترجم در این پیوست هم املای غلط حامش را آورده است.^{۲۳}

- «تاج کیسری»، ص ۱۹۷ که صورت گرفته برداری غلط از لفظ تاج کسری است و با وجود اینکه قبل از آن عبارت تاج قیصر آمده، در ترجمه فارسی به شکل نادرست برگردانده شده است.

- «انهاعات» ص ۲۵۸ و ص ۴۸۸

به جای إنهاءآت! این اصطلاح به قدری مانوس اهل نسخه پژوهی است که غلط نوشتنش از غریب است.

- «یادداشت‌هایی که از بخشایش خداوند سپاسگزاری می‌کند (برای مثال، من نعم الله، من فضل الله، ...، استوخته)»، ص ۲۶۰. نیازی به توضیح ندارد که مؤلف آشکارا در باب بخشایش و نعم و هیه سخن می‌گوید و استوهیه، یعنی به عنوان هیه و بخشش آن را درخواستم.

- «نقش حامی (مُهْتَمَّ، مُؤْتَن) با عباراتی مانند...»، ص ۲۹۰

مُعْتَنی و مُعْتَن از اعتناء به معنی توجه کننده و اهتمام کننده^{۲۴}

- مؤلف دعا‌های رایج را که برای شهرها در ترقیمه‌های نسخ معمول است ذکر کرده و درباره شهر جده می‌نویسد:

- «صَغْرَجْدَه المَحْرُوسَه المَحْمِیَه»، ص ۴۰۳

و البته روشن است که صحیح آن صغر جده ... است.

همچنین در عبارت: «بندر المعموره المنبعی»، ص ۴۰۳

شهر بمبئی (مومبای، Mumbai) منظور است.

کوتاه سخن اینکه مترجم محترم با این بی‌دقتی‌ها در برگردان اصطلاحات و نام‌های خاص که در متن اصلی آوانگاری فوتبیک شده، شکل‌هایی غلط و نابهنجار از آنها به دست داده که اشاره‌وار بدان‌ها پرداخته شد و شاید میزان عبث بودن تلاش ایشان و لاجرم تأسف این دوستدار نسخه پژوهی را این نمونه دیگر گواهی روشن باشد:

- در جایی از کتاب مؤلف به اصطلاحات خاص کاتبان اشاره می‌کند که در مواقع تردید از درستی ضبط واژه‌ای و یا تصحیح آن، از آن اصطلاح استفاده می‌کردند سپس می‌نویسد:

«... شکل‌های تصحیح شده با عبارت‌هایی مانند موارد زیر همراه می‌شد: صَحَّ، صَوَائِه، نَسَخَه، اُدْنَه و لَعْلَه».

مترجم فارسی متأسفانه بدون توجه به این نکته، انباشته‌ای از مطالب مختلف را بدون هیچ نظم و ترتیبی پشت سر هم آورده، به صورتی که یافتن هیچ موضوعی در کتاب از روی هیچ نظم و ترتیبی امکان‌پذیر نیست

علاوه بر ترجمه غیرفنی و گزینش بردارانه که باعث بروز مدخل‌هایی از این دست شده - که ظاهراً اصطلاح تخصص نسخه‌شناسی به نظر نمی‌رسد - عدم رعایت نظم و ترتیب الفبایی - موضوعی ترجمه فارسی نیز در پیدایی این مدخل‌های نامفهوم و عام تأثیرگذار بوده است.

۲۳. مترجم عربی نیز ساخته‌ای مختلف این لغت را با املای درست نقل کرده است (هامشیه، هامش، مهش، تهیمش: التقالید، ص ۳۱۴)، ولی مترجم فارسی عنایتی بدان نفرموده و همان املای غلط را برگزیده است.

۲۴. از این رو که ترجمه عربی کتاب تا چه اندازه می‌توانست به مترجم فارسی کمک کند و دست‌کم املای درست اصطلاحات و کلمات فنی را برای وی به دست دهد، شایسته یادکرد مجدد است که مُعْتَن در ترجمه عربی نیز با همین املای صحیح آمده است. (التقالید، ص ۲۲۳)

-ته نقش‌ها (۴۱۷): آب نشان

کتاب را با شوق فراوان تهیه کردم و از اینکه یکی از آثار گاجک در حوزه نسخه‌پردازی و مصطلحات نسخ خطی به فارسی ترجمه شده خوشحال شدم، ولی ترجمه پرازشکال و گاه مبهم مترجم و جملات آشفته و ویرایش نشده و ساختار و تدوین غیرعلمی و نادرست متن کتاب که عملاً یافتن موضوعات آن را غیرممکن می‌کند و هیچ راهنمایی‌ای به خواننده ارائه نمی‌دهد و مهم‌تراز همه عدم حضور مترجم در صفحات کتابی که به شدت نیاز به توضیحات تخصصی مترجم دارد، آن شوق را به نومیدی بدل کرد!

قطعاً با این وضع و وجود لغزش‌ها و ابهامات متعدد و نیز نبود نظم الفبایی-موضوعی، کتاب گاجک نیاز به بازنگری اساسی در ترجمه و حتی ترجمه مجدد دارد.

کتابنامه

- صادقی، علی اشرف؛ «واژه‌نامه نسخه‌شناسی»؛ نامه بهارستان، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۸۱.
- صفری آق قلعه، علی؛ نسخه شناخت؛ تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
- کاتب، محمدعلی؛ «مصطلحات نسخه‌شناسی، تألیف یا ترجمه، حکایت بیک سرقت ادبی»؛ گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره ۲، ص ۵۳-۵۴، ۱۳۹۱.
- گاجک، آدام؛ فرهنگ توصیفی اصطلاحات نسخه‌شناسی (تقالید المخطوطات...): ترجمه مراد تدغوت، بازچاپ کتب نادره، تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۴.
- گاجک، آدام؛ فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام؛ مترجم علی قلی نامی، تهران: ارمان تاریخ، ۱۳۹۴.
- المامقانی، الشیخ محمد رضا؛ معجم الرموز و الاشارات، قم: ۱۴۱۱ ق.
- مایل هروی، نجیب؛ تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- مألف، لویس؛ المنجد؛ تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲.
- موسوی طبری، عبدالرضا؛ «هزار نکته باریک»، گزارش میراث؛ دوره دوم، سال پنجم، شماره ۴۷-۴۸، ۱۳۹۰.
- هندوشاه نجخوانی؛ تجارب السلف؛ به تصحیح عباس اقبال آشتیانی؛ تهران: طهوری، ۱۳۵۷.

به جز رواج کاربرد اظنه در نسخ خطی و مفهوم بودن آن برای مصححان و نسخه‌پژوهان، در اینجا معنی و مفهوم عبارت و نیز قرائنی مانند لَعَلَّه، فریاد می‌زند که اَظْنَه (از ریشه ظَنَّ به معنی گمان) صحیح است، ولی متأسفانه مترجم بی‌توجه به آن مفاهیم و نشانه‌ها چنین غلطی را در ترجمه خویش راه داده است.

-معادل‌گزینی‌های نامناسب

از آنجا که کتاب بر موضوعات تخصصی و فنی نسخه‌پژوهی و نسخه‌شناسی مشتمل است، ضبط معادل‌های فارسی اصطلاحات کتاب حساسیت و اهمیت ویژه‌ای داراست و توفیق در این کار با کسی است که به خوبی از آن اصطلاحات و معادل‌های آنها آگاه باشد و مهم‌تراز آن، منابع ویژه این فن را بشناسد تا با مراجعه بدان‌ها رایج‌ترین و مفهوم‌ترین جایگزین را انتخاب کند.

همچنین متن ترجمه عربی کتاب - علاوه بر کتب متعددی که در این باب به زبان عربی تألیف شده - می‌توانست راهگشای خوبی برای مترجم فارسی باشد که متأسفانه بدان اعتنایی نداشته و حتی معتقد است «عربها خیلی نتوانسته‌اند از عهده ترجمه برآیند»^{۲۵}، اما لغزش‌های مترجم و مقایسه آنها با ترجمه عربی و نیز منابع دیگر نشان می‌دهد که وی توفیق بسیار کمی در گزارش ظرایف و دقایق تخصصی کتاب داشته است. اینک بعضی نمونه‌ها از معادل‌گزینی نامناسب مترجم به همراه پیشنهاد اصطلاحات رایج در منابع نسخه‌شناسی -دفته (۴۸، ۵۲ و ...)؛ دقه

-قطع النصف، قطع الربع و ... (۶۴): قطع بازوبندی، بغلی، جانمازی، حمایلی، وزیر، سلطانی و ...^{۲۶}

-کُثْرَمَه / بُثْرَمَه (۹۹، ۲۰۴): دندان موشی یا طلانندازی بین سطور^{۲۷}

-تزیورات (۱۶۱، ۱۶۴ و ...)؛ آثار جعلی، جعلیات، نسخ مجعول یا نسخ مزوّر

-نسخه اساس (۱۹۱): نسخه اصل^{۲۸}

-لاک (۲۰۹): جلد لاک

-طلسات (۲۷۲): لوح پاک شده یا صفحه محوشده

-بدنه متن (۳۸۳): بین الدفتین

۲۵. التقلید، ص ۵.

۲۶. در حالی که خود مؤلف هم درباره اصطلاحات مربوط به قطع کتاب می‌نویسد «این معادل‌ها گمراه‌کننده و نادرست است» (صادقی، ۱۳۸۱، ص ...) و در ضمن معادل‌های رایج فارسی برای اقسام قطع کتاب در منابع مربوط وجود دارد، ضرورتی برای به‌کاربردن قطع الربع و قطع النصف و ... نیست. رک به: صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۲۱۸-۲۲۴ و نیز مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۸۰-۲۸۱

۲۷. مایل هروی، همان طلانندازی و دندان موشی را به کار برده: ص ۲۹-۳۹-۱۱۶-۲۸۵ و نیز صفری آق قلعه طلانندازی بین سطور و دندان موشی را استفاده کرده. ص ۲۳۶-۴۸۰

۲۸. نسخه اصل نسخه‌ای است که به دست مؤلف کتابت شده در حالی که نسخه اساس دست‌نویسی است که مصحح از میان نسخ متعدد به عنوان مبنای تصحیح استفاده می‌کند.